

همزبان و بزبان

HAMZABANI VA BIZABANI DIRECTOR: MOHAMMAD MEHDI KHALEGI



CAST: SAEED FARAJI: PHOTOGRAPHER & CAMERA MAN

که اسم آن شد مستند «همزبانی و بی‌زبانی» که در ۱۵ قسمت ۲۰ دقیقه‌ای منتشر شد. پس از آن بازخوردها طوری بود که متوجه شدیم میان مهاجران و خود افغانستانی‌ها بیشتر از ایران دیده شده است.

◀ این اثر چه نکته متمایزی داشت؟ بالاخره آن‌طور که گفتید برای نخستین بار بوده...

مستند خیلی آرتیستیک یا هنری نبود، یک مجموعه مستند کم هزینه و آبرومند بود در حد خودش که ما فقط و فقط توانستیم به لحاظ محتوا و روایت کار خیلی خوبی را برنامه‌ریزی کنیم. به قول شما نکته متمایز آن حتی تا امروز این بوده که نخستین کار با نگاه ایجابی درباره افغانستان است. زاویه نگاه ما رفتن سراغ ظرفیت‌ها و فرصت‌های افغانستان به عنوان یک همسایه بود و موجب شد خود افغانستانی‌ها و در وهله بعدی، مهاجرانی که شناخت کمتری از کشورشان داشتند، خیلی بیشتر با کار ارتباط بگیرند. در این اثر به جای انفجار و انتحار و کشتار، به سراغ چهره‌های مثبت فرهنگی و اجتماعی افغانستان رفتیم. سعی کردیم به جای فقر و فلاکت، هنر و معماری و ارزش‌هایی که آن روز در افغانستان نماینده‌ای داشت را از زبان راوی اصلی آن به تصویر بکشیم. راوی ما یکی از دانشجویان مقطع دکترای زبان فارسی دانشگاه کابل بود که در نقاط مختلف افغانستان همراه یک تیم چهار نفره با او سفر کردیم و روایت‌های متفاوت را ثبت و ضبط کردیم. ساخت این اثر با دو سفر چند هفته‌ای توانست کمک مهمی در شناخت شبکه‌ای از مؤثران و همراهان افغانستانی برای بنده و همکارانم باشد و در مجموع ما هم در میان آن‌ها شناخته شدیم. در مجموع تجربه بسیاری خوبی برای یک مستندساز بود و البته این درس را برای من و همکاران مستندسازم داشت که افغانستان مانند دیگر همسایگان در سبب توجه مدیران جایی ندارد و کارهایی از این دست، فصلی است و متأسفانه الان هم شرایط همین‌گونه است.

◀ پس از آن، شرایط مستندسازی درباره تحولات منطقه چطور پیش رفت؟

پس از پایان پخش کار ما، حدود دو سال گذشت و ماجرای سوریه خیلی جدی شد. این سرآغاز تغییری در کار مستندسازی بنده بود. نخستین باری که خود من رفتم سوریه، راستش کلمه «فاطمیون» به گوشم نخورده بود. بعدتر که در سوریه بودم بچه‌ها شنیدم حدود دو ماه از شکل‌گیری فاطمیون می‌گذشته و ما که در حال ساخت مستند بودیم، مثل خیلی‌ها هنوز خبردار نشده بودیم. خروجی آن سفر مستند «نبرد با شیطان» بود که یک کار تحلیلی محسوب می‌شود. این اثر را هنوز هم اگر ببینید، بکرو جذاب است؛ نه به خاطر اینکه اثر ساخت خودم است، به خاطر اینکه خط سیر متفاوت و اختصاصی خودش را دارد. در این اثر ماجرای نبردهای تاریخی سوریه و اسرائیل در بازه ۴۰ ساله پیش از آغاز جنگ داخلی (۲۰۱۱) و شعله کشیدن آتش اشغال این کشور به دست داعش گفته شده و نتیجه‌گیری این بود که مقاومت سوریه برابر رژیم صهیونیستی با همه شرایطی که حکومت این کشور در آن بازه داشته، برای صهیونیست‌ها سنگین بوده که بسیار زیاد از این وقایع استقبال کردند و به دنبال تضعیف و نابودی این نقطه از منطقه غرب آسیا بودند.

◀ با این حساب زمان آشنایی شما به عنوان یک مستندساز آشنا با افغانستان با «فاطمیون» چه زمانی بود؟

به طور کلی شرایط آن روزها و ماه‌های اول فاطمیون، چون تازه آمده بودند، طبیعی بود شرایطی مخفی و امنیتی باشد.

بنده کار نبرد با شیطان را تمام کردم و به مشهد بازگشتم. همین صحبت سفر یک مستندساز به سوریه کاری کرد که کم کم به گوشم برسد گروهی از مهاجران افغانستانی در مشهد جمع شدند و به سوریه رفتند. مدتی گذشت و در فرهنگسرای انقلاب اسلامی منطقه پنجتن مشهد، یک نوبت اکران مستند را گرفتند و از بنده هم دعوت کردند. وقتی نمایش مستند تمام شد، دوستان درباره سوریه صحبت می‌کردند. مردم، از زن و مرد و پیر و جوان و اقشار مختلف به خصوص مهاجران افغانستانی درباره سوریه پرسش‌هایی داشتند.

مراسم تمام شد و پیش از اینکه خارج شویم، عزیزی آمد و به بنده گفت: «حاجی می‌خواود شما رو ببینه... گفتم حاجی کیه برادر؟» او نام خاصی را بر زبان آورد: «علیرضا توسلی». دو سه روزی گذشت و آن جوان تماس گرفت و آدرسی داد. خانه خود شهید توسلی آن زمان گلشهر بود؛ یک خانه دیوار سیمانی خیلی معمولی. آنجا برای نخستین بار او را دیدم. دقیق خاطر هست تعدادی مهمان داشتند. بنده جلو در منتظر ماندم تا ۲۰ دقیقه بعد که کارشان تمام شد و میهمانان که رفتند حاجی به داخل منزل دعوتم کرد. از مستند شروع کرد و گفت: «آن کاری که با آن جوان دانشجوی درباره افغانستان ساختید را دیدم؛ هم بچه‌ها خیلی خوششان آمده و هم باید خودم از شما تشکر کنم، کار خوبی است. حالا از شما درخواست دارم بیایی کاری بسازی درباره بچه‌های مظلوم ما در سوریه».

در سوریه بودم بچه‌ها شنیدم حدود دو ماه از شکل‌گیری فاطمیون می‌گذشته و ما که در حال ساخت مستند بودیم، مثل خیلی‌ها هنوز خبردار نشده بودیم. خروجی آن سفر مستند «نبرد با شیطان» بود که یک کار تحلیلی محسوب می‌شود. این اثر را هنوز هم اگر ببینید، بکرو جذاب است؛ نه به خاطر اینکه اثر ساخت خودم است، به خاطر اینکه خط سیر متفاوت و اختصاصی خودش را دارد